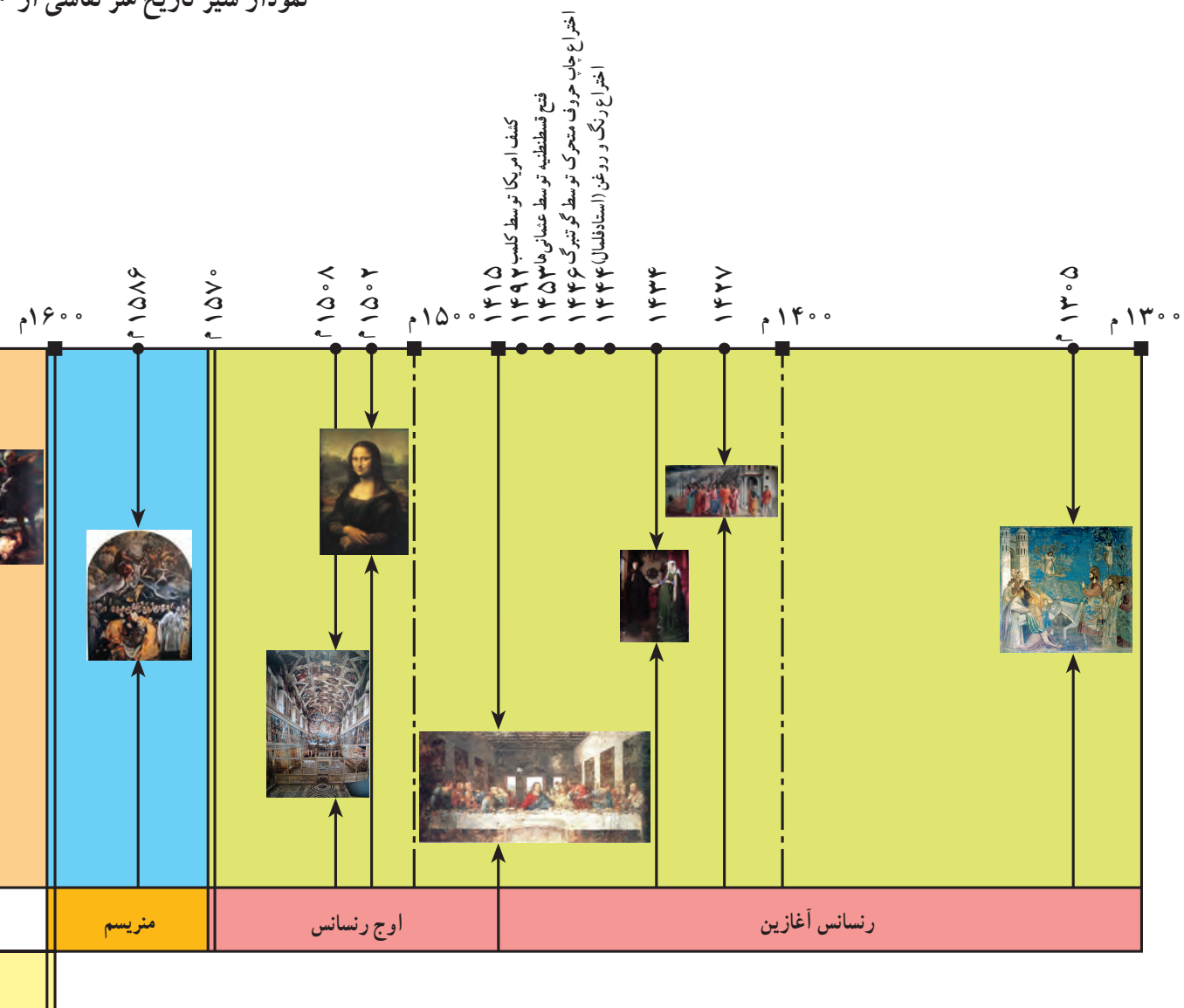
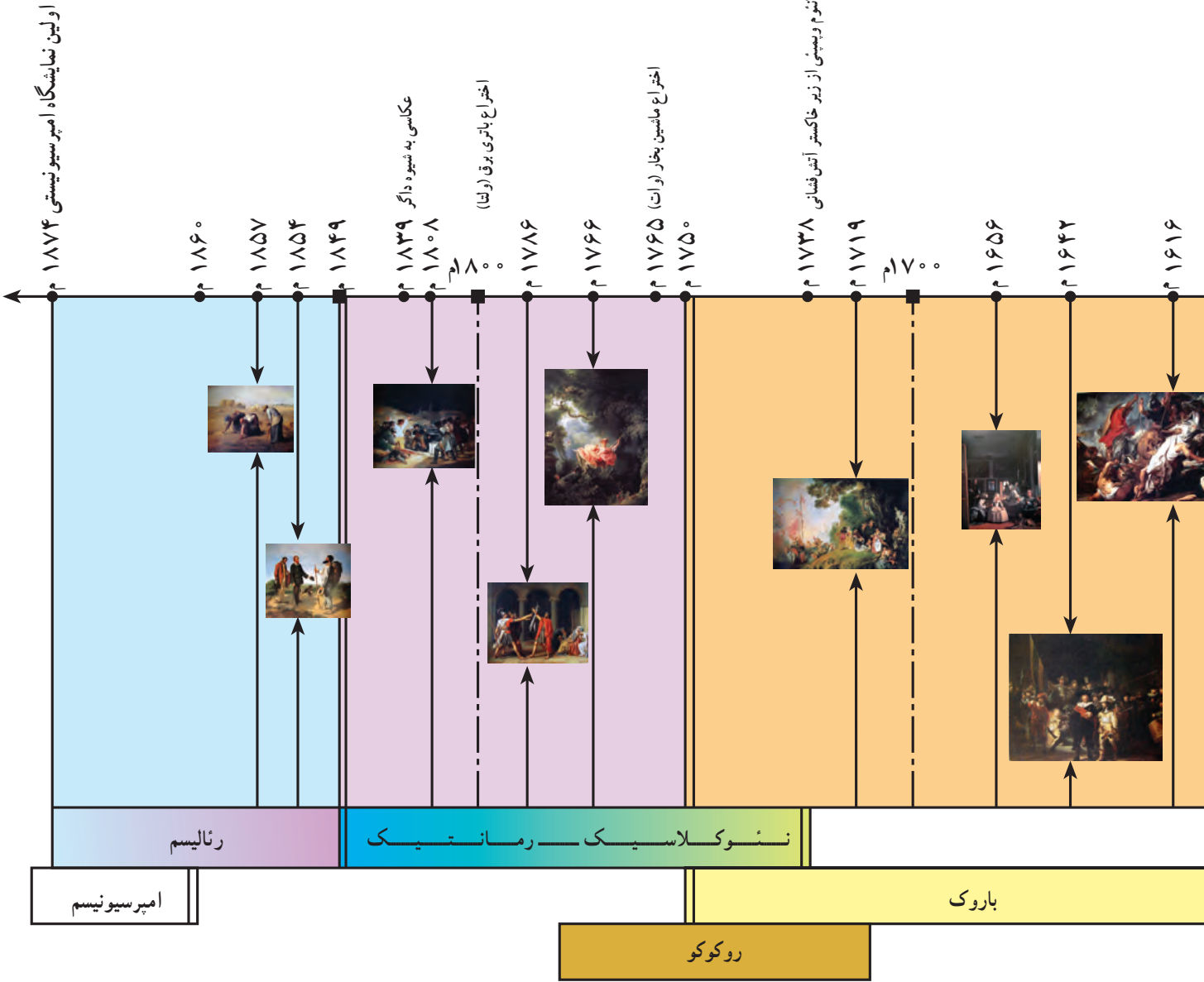


نمودار سیر تاریخ هنر نقاشی از



- رنسانس
- متریسم
- باروک
- نئوکلاسیک
- رمانتیک
- رنالیسم
- روکوکو



مکاتب نقاشی اروپا از رنسانس تا نیمه‌ی سده‌ی نوزدهم میلادی

اهداف رفتاری: در پایان این فصل هنرجو باید بتواند:

- عوامل ظهور رنسانس را بیان کند.
- نقاشی رنسانس، عوامل پیدایش، و هنرمندان آن را بشناسد و توضیح دهد.
- مکاتب نقاشی بعد از رنسانس شامل منریسم، باروک، روکوکو، نئوکلاسیک، رومانتیسم و رئالیسم را بشناسد و عوامل پیدایش و خصوصیات هر یک را توضیح دهد.
- هنرمندان منسوب به هر مکتب را با ذکر شیوه‌های شخصی نام ببرد.
- قادر به شناسایی آثار هنرمندان از روی تصاویر ارائه شده باشد.

رنسانس

از اواخر سده‌ی سیزدهم میلادی، بر اثر رشد اقتصادی، توسعه‌ی شهرها و تغییراتی که در مناسبات اجتماعی – سیاسی – فرهنگی در اروپا به وقوع پیوست، زمینه‌ی تحولاتی عمده در هنر فراهم گردید تا جایی که با شروع قرن پانزدهم میلادی به نهضتی فراگیر انجامید، که «رنسانس»^۱ نامیده شده است. رنسانس در لغت به معنای «تولد دوباره» و در اصطلاح به مفهوم «احیای آگاهانه‌ی سنت‌های ادبی و هنری یونان و روم باستان بر پایه‌ی بزرگداشت مقام انسان»^۲ است؛ در نتیجه توجه هنر رنسانس بیش از پیش بر جنبه‌های مادی و آرمان‌های طبیعت استوار است.

نخستین تحول در نقاشی بر پایه‌ی تجربیات هنرمند ایتالیایی اهل فلورانس «جوتو»^۳ استوار است. جوتو سعی داشت آنچه را که می‌دید واقعاً همان‌طور بکشد و با توجه به حالات و ویژگی‌های شخصیت افراد، در تصویر موضوعات مذهبی در زمینه‌ی واقعی اهتمام می‌ورزید. او اصول نقاشی طبیعت‌گرا یعنی عمق‌نمایی، کالبدشناسی، حجم‌نمایی، تعیین منبع نور در صحنه را بر پایه‌ی تجربه‌ها و مشاهدات عینی خود در طبیعت و به صورت ابتدایی و ناقص به کار می‌برد (تصویر ۱ – ۵). اصولی که جوتو بدان توجه نمود بعدها توسط نقاشان دیگر تکمیل گردید.

حرکتی را که جوتو آغاز نمود هنرمند جوان ایتالیایی «مازاتچو»^۴ بی‌گرفت و به دستاوردهای نوینی از لحاظ ترکیب‌بندی و تصویر «سه بعد نمایی»^۵ دست یافت، اما زندگی او دیر نپایید و مطالعاتش را نقاش و ریاضی‌دان فلورانس «پیرودلافرانچسکا»^۶ تکمیل

۱ – Renaissance

۲ – انسان‌گرایی Humanism نهضت فکری و فرهنگی آغاز رنسانس که بنابر ارزش والای مقام انسان می‌گذاشت و توجه به شکوفایی زبان و ادب و عواطف و

آرمان‌های بشری داشت.

۳ – Giotto (۱۲۶۶/۷-۱۳۳۷)

۴ – Masaccio (۱۴۰۱-۱۴۲۸)

۵ – Perspective

۶ – Francesca (Piero de la) (۱۴۱۰/۲۰-۱۴۹۲)



تصویر ۱-۵- ورود مسیح به اورشلیم؛ تمپرا روی تخته، ۱۳۰۵ م، نمازخانه‌ی آرنا، پادوا

کرد. و در رساله‌ای بر پایه‌ی اصول ریاضی انتشار داد. فرانچسکا ثابت کرد که اجسام هندسی، شکل‌های معماری و پیکر آدمی را می‌توان به وسیله‌ی علم هندسه، به شکل طبیعی و واقع‌نما بازنمایی کرد و به عامل «فضا» توجه خاص نمود (تصاویر ۲- ۵ و ۳- ۵). در اواخر سده‌ی پانزدهم میلادی هنرمندان رنسانس متوجه شدند که بر اثر توجه بیش از اندازه به بازنمایی هندسی و اصول مناظر و مریا^۱ بر آثارشان سکون حاکم شده است؛ از این رو سعی نمودند تا حرکت و جنبش را به نقاشی وارد نمایند.



تصویر ۲-۵- مازاتجو، نقدیندی خراج؛ حدود ۱۴۲۷م دیوار نگاره، کلیسای سانتاماریا، فلورانس



تصویر ۳-۵- پیرو دلافرانچسکا، غسل تعمید حضرت مسیح؛ نیمه‌ی سده‌ی پانزدهم میلادی.

ساندرو بوتیچلی^۱ هنرمند بزرگ فلورانس با تأکید بر عنصر رنگ و با به کارگیری خطوط نرم و پر تحرک لطافت شاعرانه و بی‌سابقه‌ای را به نقاشی‌های خود وارد کرد. بوتیچلی را می‌توان حلقه‌ی رابط بین هنر سده‌ی پانزدهم و هنرهای دهه‌های نخست سده‌ی شانزدهم (اوج رنسانس) تلقی کرد (تصویر ۴-۵ ولادت حضرت مسیح(ع)).

۱ - Botticelli Sandro (۱۴۴۴/۵ - ۱۵۱۰)



تصویر ۴-۵- بوتیچلی، ولادت حضرت مسیح (ع)؛ تمپرا روی تخته، قرن ۱۵، اوایل سده ۱۶ م.

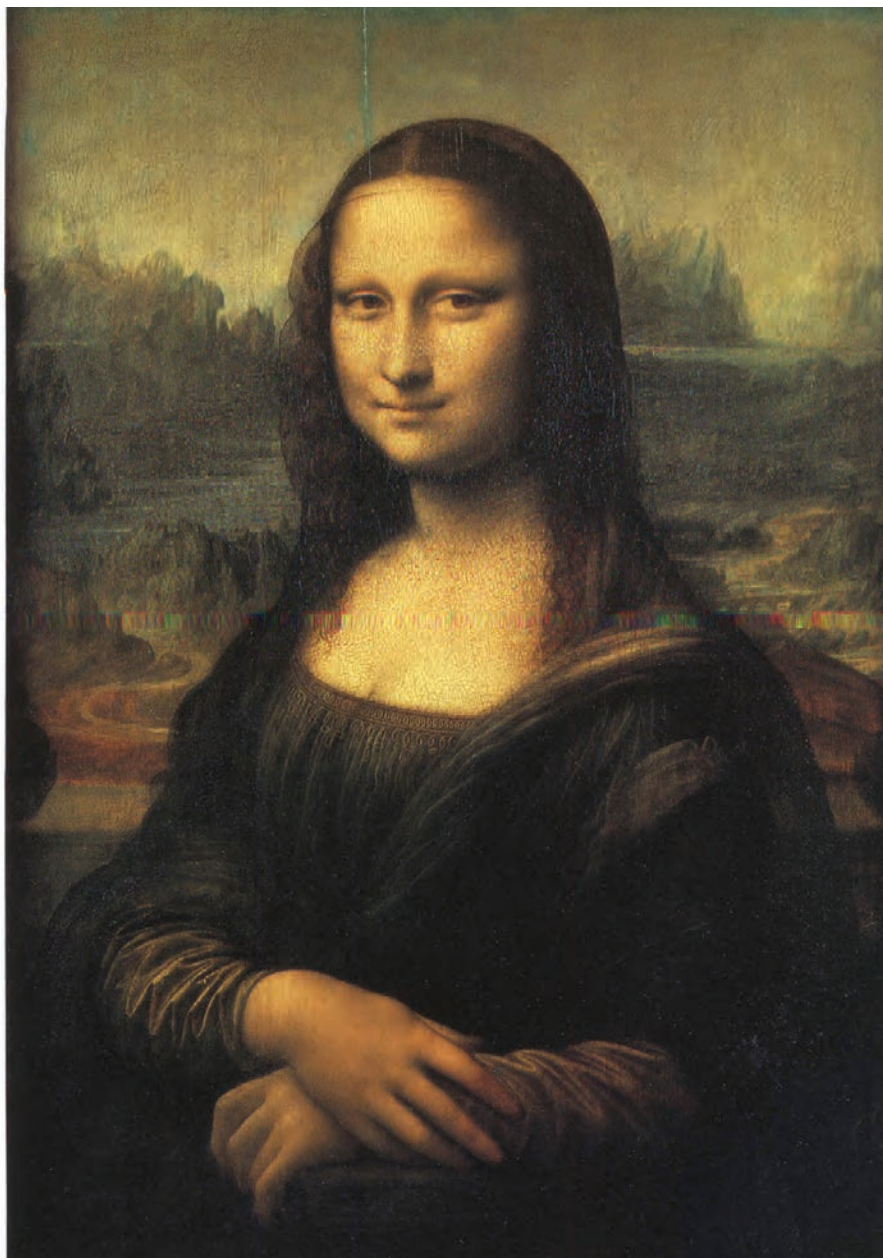
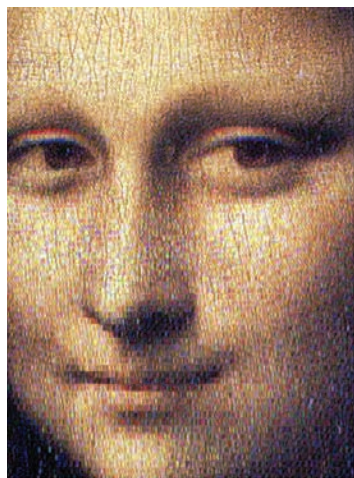
در سال‌های نیمه‌ی نخست سده‌ی شانزدهم خردگرایی و تجربه بر اساس مشاهده‌ی عینی در قالب انسان‌گرایی بر نبوغ فردی و نابغه‌پرستی گرایش یافت و استادانی چون لئوناردو داوینچی^۱، میکل‌آنژ^۲ و رافائل^۳ با چنین گرایشی ظهور کردند. این استادان که تجربه‌ی عینی را با استنباط شخصی خود آمیختند، هنر دوره‌ی رنسانس را به درجه‌ی بالایی از شکوه و غنا رساندند.

۱- Leonardo da Vinci (۱۴۵۲-۱۵۱۹)

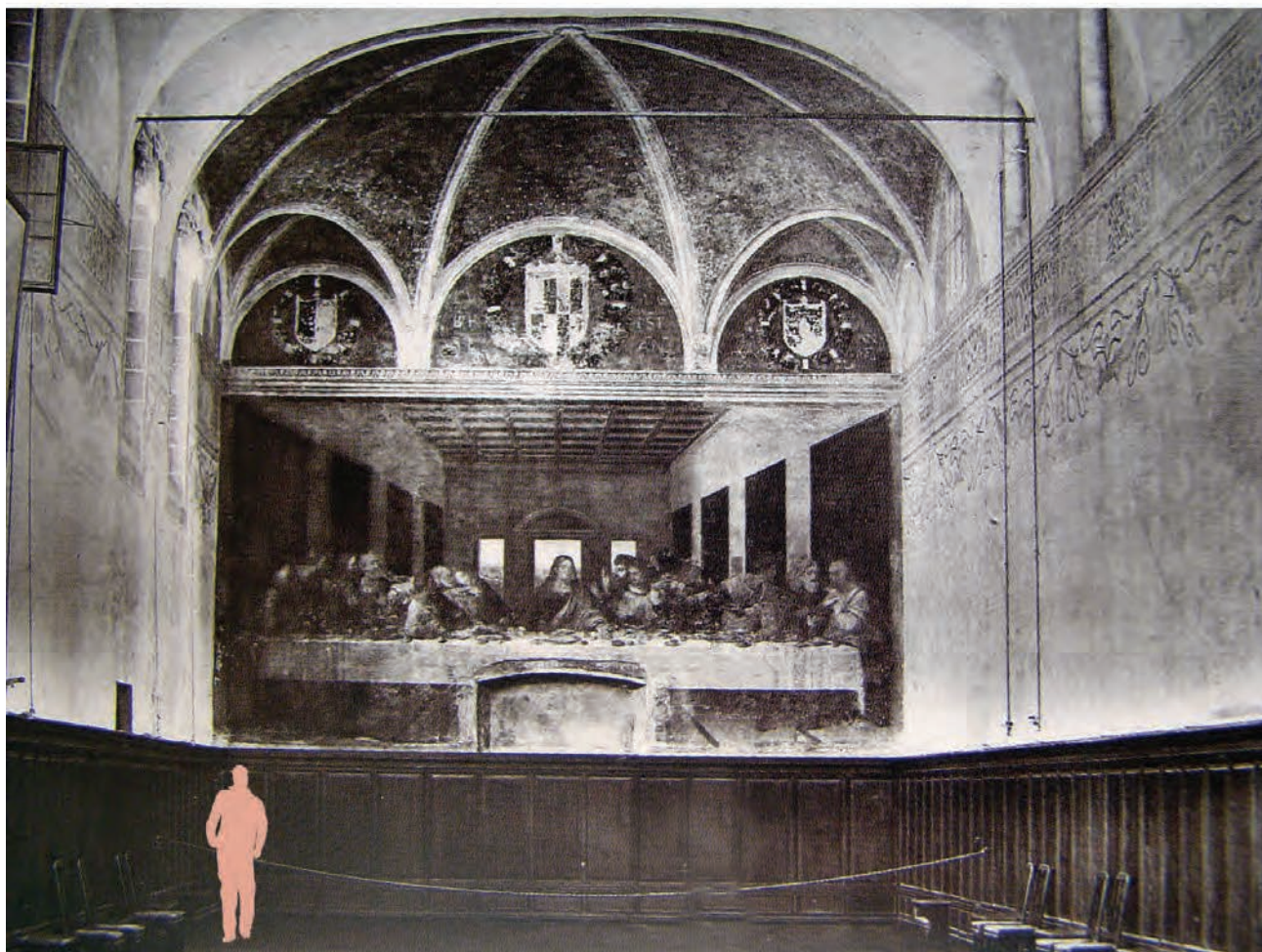
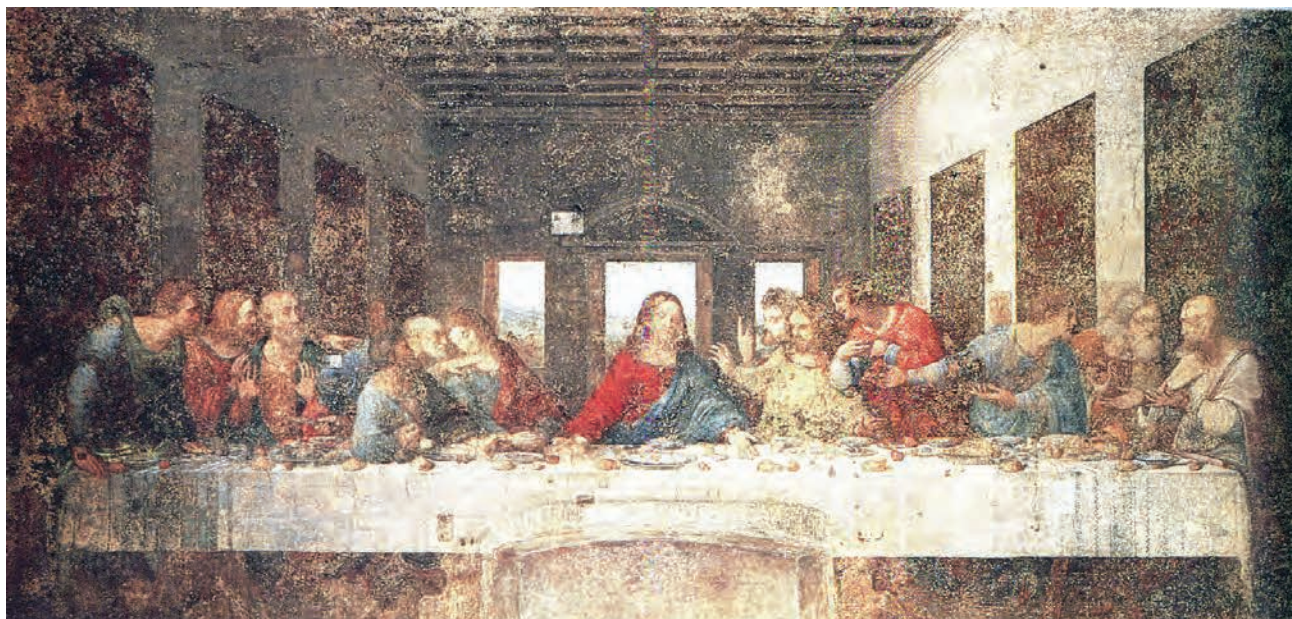
۲- Michelangelo (۱۴۷۵-۱۵۶۴)

۳- Raphael (۱۴۸۳-۱۵۲۰)

«لئوناردو داوینچی»، علاوه بر عرصه‌ی هنر، در زمینه‌های علمی نیز از خود آثار ارزنده‌ای بر جای نهاد. او با مهارتی خاص، نور و سایه را در طراحی به کار گرفت و در به کارگیری رنگ نیز با کمک رنگ مایه‌های درخشان ترکیبی استثنایی به وجود آورد. مشهورترین اثر وی تابلو چهره‌ی «مونالیزا»، معروف به «لبخند ژوکوند»، ترکیبی بدیع از تک چهره و منظره است که به دلیل بهره‌گیری از ترکیب رنگ فضایی اسرارآمیز ایجاد نموده است. نقاشی دیواری «شام آخر» و چندین تابلو از مریم و مسیح و طراحی‌های فراوانی از وی برجای مانده است (تصاویر ۵-۵ الی ۵-۷). میکلاژ هنرمند نابغه‌ی رنسانس، که بیش‌تر به سبب عرضه‌ی مجسمه‌های تاریخی «موسی»، «داوود» و «بردگان» شناخته می‌شود، در اعتلای هنر نقاشی اوج رنسانس نیز سهمی به سزا دارد. نقاشی‌های دیوار کلیسای سیستین واتیکان از مفاخر تاریخی نقاشی محسوب می‌شود. این نقاشی‌ها شامل صحنه‌هایی از آفرینش آدم و داوری اُخروی است، که در ترکیبی استثنایی از طراحی، رنگ، تیرگی و روشنایی، با دقتی علمی تصویر شده است (تصاویر ۵-۸ و ۵-۹).



تصویر ۵-۵- لئوناردو داوینچی، مونالیزا؛ حدود سال ۱۵۰۲ میلادی رنگ و روغن روی چوب ۵۳ . ۷۷ سانتی‌متر - موزه‌ی لوور پاریس



تصویر ۵-۶- لئوناردو داوینچی، شام آخر؛ دیوار نگاره، سال‌های ۱۴۹۵-۱۴۹۸ میلادی، ۸۸۰ . ۴۶۰ سانتی‌متر
 سالن غذاخوری صومعه‌ی سانتا ماریادله گراتسیه در میلان که دیوار نگاره شام آخر در دیوار انتهایی آن دیده می‌شود.



تصویر ۷-۵- لئوناردو داوینچی، حضرت مریم در کنار صخره‌ها، حدود ۱۴۸۵ م، رنگ روغن روی تخته، تقریباً ۱۸۰ . ۱۸۸ سانتی متر، موزه‌ی لوور پاریس.



تصویر ۸-۵- میکلا آنژ، کلیسای سیستین و اتیکان؛ اوایل سده‌ی شانزدهم میلادی.



تصویر ۹-۵- میکلا آنژ، خانواده‌ی مقدس؛ رنگ روغن روی تخته، اوایل سده‌ی شانزدهم میلادی.



رافائل برخلاف میکلا آنژ روحیه‌ای آرام داشت؛ از این رو آثارش، با وجود ترکیب‌بندی‌های دقیق و ریاضی، از لطافت نیز برخوردار است (تصاویر ۱۰-۵ و ۱۱-۵).

تصویر ۱۰-۵- رافائل، حضرت مریم و کودک؛ رنگ و روغن روی تخته، ۱۰۵ . ۷۴ سانتی‌متر، نگارخانه‌ی اوفیستی، فلورانس



تصویر ۱۱-۵- رافائل، مدرسه‌ی آتن؛ دیوارنگاره ۱۵۱۰-۱۵۱۱ م کاخ واتیکان، رم.

رسانس در شمال اروپا

در نیمه‌ی دوم سده‌ی چهاردهم تأثیر تجربیات هنرمندان ایتالیایی به شمال اروپا و سرزمین فلاندر رسید، به طوری که هنرمندان آن سرزمین نیز، جهت دستیابی به تناسب و پیوستگی عمق در فضا، به تجربیات جدیدی نایل شدند. در این راه استاد فلمال^۱ با ابداع «رنگ روغن»^۲ فصلی نو در تجسم عمق در فضا و پیوستگی سایه روشن‌ها در نقاشی رسانس گشود (تصویر ۱۲-۵). دیگر هنرمند برجسته‌ی فلاندری^۳ «یان وان ایک»^۴ اصول عمق‌نمایی و واقع‌نمایی را در تجسم چهره‌ی افراد به وسیله‌ی رنگ روغن تحول بخشید (تصاویر ۱۳-۵ و ۱۴-۵).



تصویر ۱۲-۵- روبر کامپن، سده‌ی پانزدهم میلادی.

۱- Flemalle: نامی که برای یک نقاش فلاندری اوایل سده‌ی پانزدهم میلادی انتخاب شده است و به احتمال زیاد همان نقاش گمنام روبر کامپن (Robert campin - ۱۴۴۴ - ۱۳۸۰) است.

۲- Flanders نواحی جنوبی نوزلند (سرزمین‌های پست) که تقریباً مطابق کشورهای بلژیک و لوکزامبورگ امروزی است در قدیم فلاندر نامیده می‌شد.

۳- Jan van Eyek (فعال بین سال‌های ۴۱۱۴-۱۴۳۲)



تصویر ۱۳-۵- یان وان ایک، مردی با عمامه‌ی سرخ (احتمالاً چهره‌ی نقاش)،
 ۱۴۳۳ م. تقریباً ۲۶ . ۱۹ سانتی متر، نگارخانه‌ی ملی، لندن.



تصویر ۱۴-۵- یان وان ایک، عروس
 و داماد، ۱۴۳۴ م نقاشی روی تخته تقریباً
 ۵۶ . ۸۲ سانتی متر، نگارخانه‌ی ملی، لندن
 هنرمند به اصول عمق‌نمایی توجه خاصی داشته
 است. اجزای تابلو را با دقت تکمیل نموده
 است برای مثال به آینه نصب شده به روی
 دیوار که تصویر عروس و داماد در آن‌ها پیدا
 است، توجه نمایید.

در اوج رنسانس، کلاسیک‌گرایی فراگیر و غیرقابل تخطی در ایتالیا و دیگر مراکز هنری اروپا، عرصه را برای بروز خلاقیت برخی از هنرمندان جوان تنگ کرده بود این هنرمندان بر آن شدند تا سرمشق‌های استادان اوج رنسانس را در جهت شکستن قالب‌ها و قراردادهای کلاسیک، زیر سؤال ببرند. شروع این جریان از فلورانس و رُم بود و سپس به دیگر مراکز هنری مانند ونیز، فلاندر و اسپانیا گسترش یافت. عنوان تحقیرآمیز «منریسم»^۱ - به معنای لغوی تقلیدگری یا شیوه‌گرایی - به آثار هنرمندانی اطلاق شد که قالب‌های کلاسیک را درهم ریختند و با اغراق در تناسبات و ترکیب‌بندی سعی داشتند احساس درونی خویش را، آشکار سازند. از نقاشان به نام این شیوه تیتورتو^۲ و ال‌گرکو^۳ را می‌توان نام برد. شاید بتوان ال‌گرکو را برجسته‌ترین هنرمند شیوه‌گری نامید. او در بین راهبان یونانی پرورش یافت و نقاشی را در وهله‌ی نخست بر مبنای الگوهای بیزانسی نزد ایشان فراگرفت. آثار ال‌گرکو بیانگر اندیشه و عواطف شدید مذهبی اوست و ترکیبی از تصویرگری بیزانسی و انسان‌گرایی رنسانس است (تصاویر ۱۵-۵ و ۱۶-۵).



تصویر ۱۵-۵- ال‌گرکو، تدفین کنت اورگانس؛ ۱۵۸۶ میلادی رنگ روغن روی بوم، ۴۶۰ . ۳۶۰ سانتی‌متر، کلیسای سانتوتومه، تولدو اسپانیا، (با توجه به اِشل انسانی (حدود ۱۸۰ سانتی‌متر) اندازه‌ی تابلو را تصور نمایید.)

۱- Mannerism (شیوه‌گرایی)

۲- J. Tintoretto (۱۵۱۸-۹۴)

۳- El Greco (۱۵۴۱-۱۶۱۴)



تصویر ۱۶-۵- تینتورتو، شام آخر، ۱۵۹۲ م، رنگ روغن روی بوم. ۵۶۸. ۳۵۶ سانتی متر، ونیز

باروک

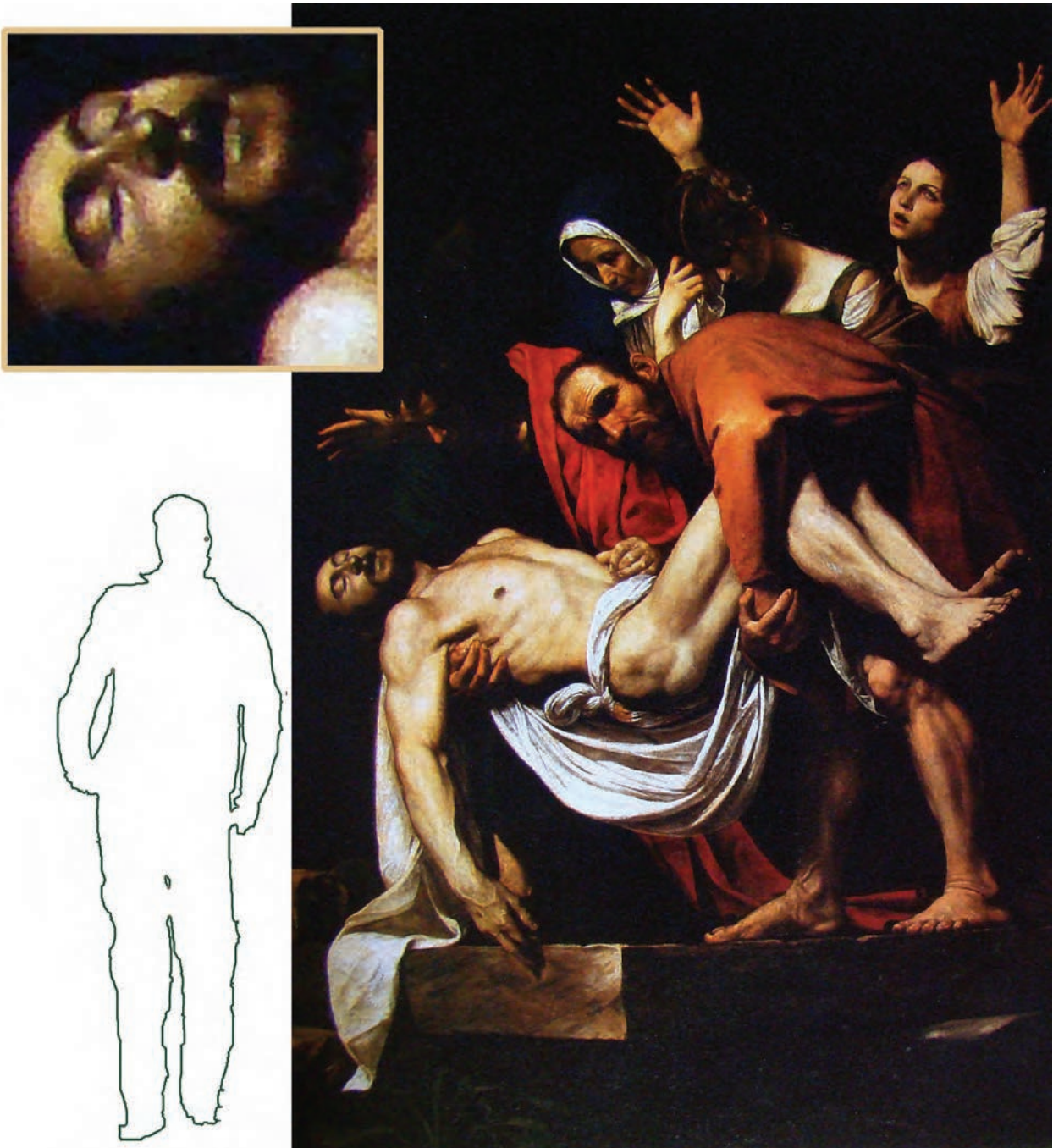
در سال‌های پایانی سده‌ی شانزدهم تحولی دیگر در هنر رنسانس راه یافت و سراسر سده‌ی هفدهم را به خود اختصاص داد که به «باروک»^۱ شهرت یافت. باروک در لغت به معنای «نامنظم»، «مروارید ناصاف»، «پر پیچ و تاب» یا «غیرعادی» است، اما در اصطلاح به نهضتی هنری اطلاق می‌شود که، با توجه بیشتر به مواهب زندگی مادی، جنبه‌ای دیگر از انسان‌گرایی را بسط می‌دهد. بدین ترتیب که در مقابل با عقل‌گرایی رنسانس، حق تقدم را به «احساس» می‌دهد. در نتیجه هنرمندان در ترکیب‌بندی آثارشان از روش عقلانی منطبق با ریاضیات فاصله می‌گیرند و آزادی عمل بیشتری را برای خود قابل می‌شوند. از این رو نقاشی‌های دوران باروک دارای فضایی پویا و پرتحرک‌ترند.

نقاشی باروک از ایتالیا شروع شد و سپس در دیگر کشورهای اروپایی اشاعه یافت و در فلاندر و هلند مقبولیت بیش‌تری کسب کرد.

نقاشی باروک ایتالیا با نام «کاراواджو»^۲ بلند آوازه شد. او براساس اصول واقع‌نمایی، موضوعات مذهبی را به ترتیبی عامه‌پسند و بدون اصول پیچیده‌ی فلسفی به تصویر کشید (تصویر ۱۷-۵).

۱- Baroque

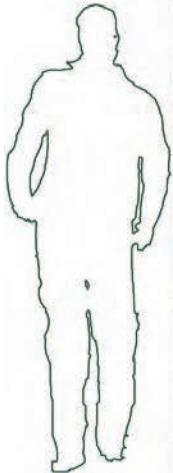
۲- Caravaggio (۱۶۰۹-۱۵۶۵)



تصویر ۱۷-۵- کاراواژجو پایین آوردن جسد مسیح از صلیب؛ ۱۶۰۲ م رنگ روغن روی بوم، ۲۰۲ . ۲۹۸ سانتی متر، موزهی واتیکان، رم.
(با توجه به اِشِل انسانی (حدود ۱۸۰ سانتی متر) اندازهی تابلو را تصور نمایید.)

«پیتر پل روبنس»^۱ نقاشی فلاندری، دیگر نماینده‌ی به نام شیوه‌ی باروک است. آثار وی با طراحی و ترکیب‌بندی‌های پرتحرک و برتری خطوط مدور و حرکت‌های نرم و سیال و کاربرد خلاقانه‌ی رنگ شناخته می‌شود (تصویر ۱۸-۵).

۱- Peter Paul Rubens (۱۵۷۷-۱۶۴۰)



تصویر ۱۸-۵- پیتربیل روبنس شکار شیر، ۱۶۱۶ میلادی رنگ روغن روی بوم، ۳۷۲ . ۲۴۶ سانتی متر، موزهی آلتیه بنیاکوتیک مونیخ (به اندازه اثر با توجه به اشل انسانی (حدوداً ۱۸۰ سانتی متر) اندازهی تابلو را تصور نمایید.)



«رامبراند»^۱ و «یان ورمیر»^۲ نقاشان هلندی سدهی هفدهم با انتخاب موضوعاتی از زندگی روزانهی مردم عادی، جلوه‌های دیگر از باروک را ارائه نمودند (تصاویر ۱۹-۵ و ۲۰-۵).

رامبراند که بینشی عمیق و فلسفی داشت با به‌کارگیری آگاهانه تکه‌های روشن در زمینه‌ی رنگ‌های تیره و خاموش نگاه عارفانه خود را در زمینه‌ی نقاشی به نمایش گذاشت (تصویر ۱۹-۵ و ۲۰-۵).

تصویر ۱۹-۵- رامبراند، پرتره از خود حدود سال‌های ۱۶۵۸-۱۶۵۵ میلادی، رنگ و روغن روی چوب ۴۵ . ۴۹ سانتی متر موزهی تاریخ هنر، وین

۱ - Van Rijn - Rembrandt (۱۶۰۶-۱۶۶۹)

۲ - Jan Vermeer (۱۶۳۲ - ۱۶۷۵)



تصویر ۲۰-۵- رامبراند، گشت شبانه؛ ۱۶۴۲ میلادی رنگ و روغن روی بوم، ۴۳۷ . ۳۵۰ سانتی متر
(با توجه به اِشل انسانی (حدوداً ۱۸۰ سانتی متر) اندازه‌ی تابلو را تصور نمایید.)



آثار ورمیر برخلاف رامبراند غرق در نور است. در غالب آثار او نور از پنجره‌ای به درون یک اتاق تابیده و اشخاص و اشیاء را به روشنی نمایان کرده است (تصویر ۲۱-۵).

تصویر ۲۱-۵- یان ورمیر، خدمتکار، حدود سال ۱۶۶۰ میلادی، رنگ و روغن روی بوم، ۴۱ . ۴۵ سانتی متر، موزه‌ی ریکس، آمستردام

نقاشی باروک در اسپانیا با نام «دیه گو ولاسکئوس»^۱ پیوند یافته است (تصویر ۵-۲۲).



تصویر ۵-۲۲- ولاسکئوس، ندیمه ها، ۲۷. ۳۱۸ سانتی متر، رنگ روغن روی بوم، سده‌ی هفدهم میلادی. موزه‌ی پرادو، مادرید (با توجه به اِشل انسانی (حدوداً ۱۸۰ سانتی متر) اندازه‌ی تابلو را تصور نمایید.)

روکوکو

در اواخر قرن هفدهم، گروهی از نقاشان فرانسوی اصول هنری آکادمی پاریس را انکار کردند و در مقابل الگوهای هنری گذشته آزادی بیشتری را در نقاشی، چه در زمینه‌ی انتخاب موضوع و چه به کارگیری طرح و رنگ برای خود قایل شدند. این شیوه نخست در دربار لویی پانزدهم مقبولیت یافت، و «روکوکو»^۲ نامیده شد. روکوکو در لغت به معنای قلوه‌سنگ و صدف ناصاف است، که در تزئین و ایجاد فضاهای مصنوعی (مانند دریاچه، فواره، غار، کوه و ...) به کار می‌رود، اما در اصطلاح به شیوه‌ای تزئینی، ظریف و دل‌انگیز در نقاشی، طراحی لباس، طراحی لوازم داخلی منزل، پرده، قالی و زیورآلات اطلاق می‌شود. «آنتوان واتو»^۳، «ژان اونوره فراگونارد»^۴ نمایندگان به نام شیوه‌ی روکوکو در فرانسه بودند و در آثار ایشان جنبه‌ی تزئینی، مصنوعی و خیال‌انگیز برتری دارد (تصاویر ۵-۲۳ و ۵-۲۴).

۱ -Diego Velazques (۱۵۹۹-۱۶۶۰)

۲ -Rococo

۳ -Wateau (Antoine) (۱۶۸۴-۱۷۲۱)

۴ -Fragonard (Jean - Honore) (۱۷۳۲-۱۸۰۶)



تصویر ۲۳-۵- آنتوان واتو، سفر به جزیره‌ی الهه‌ی عشق؛ ۱۷۱۸ میلادی رنگ روغن روی بوم، (۱۲۸ . ۱۹۲) سانتی‌متر موزه‌ی لوور، پاریس



تصویر ۲۴-۵- ژان اونوره فراگونار،
تاب ۱۷۶۶ میلادی؛ رنگ روغن روی بوم
۸۸ . ۸۰ سانتی‌متر مجموعه والاس، لندن
۱۳۵



تصویر ۲۵-۵- شاردن^۱، طبیعت بی‌جان؛ ۱۷۵۸ رنگ روغن روی بوم، م. ۴۱ . ۵۰ سانتی‌متر کلکسیون فریک نیویورک

نئو کلاسیک

نیمه‌ی دوم سده‌ی هیجدهم مقارن با تحولات نوینی در جامعه‌ی اروپایی بود. از یک سو اشاعه‌ی افکار سیاسی - اجتماعی نهضت روشنگری فرانسه، و از سوی دیگر کشفیات باستان‌شناسان از تمدن‌های باستانی یونان و روم در هر کولانثوم و پمپئی و رم، اذهان عمومی را متوجه زیبایی‌های آرمانی، منضبط و متناسب هنر کلاسیک باستان ساخت، تا جایی که منتهی به نهضتی هنری شد که «نئو کلاسیسم»^۲ یا «کلاسیسم نو» خوانده می‌شود.

نئو کلاسیسم آرمان‌های والامنشی، انضباط، اعتدال و هماهنگی رنگ و نور و سایه‌پردازی دقیق مکتب کلاسیک را در واکنش علیه تزئینات و ظرافت‌کاری‌های افراطی روکوکو به کار گرفت.

«ژاک لویی داوید»^۳ و «ژان دومینیک انگر»^۴ دو نماینده‌ی نهضت نئو کلاسیسم در نقاشی‌اند. تابلوهای «سوگند برادران هوراس» و «مرگ سقراط» اثر داوید با ترکیب‌بندی محکم هندسی و محاسبات ریاضی دقیق از نمونه‌های بارز این نهضت در نقاشی به شمار می‌آیند (تصاویر ۲۶-۵، ۲۷-۵ و ۲۸-۵).

۱- (Chardin jan - simeon ۱۷۷۹ - ۱۶۹۹) شاردن هنرمند فرانسوی، معاصر روکوکو که آن شیوه را نپذیرفت و شیوه‌ای فردی برگزید او با انتخاب

موضوعات و اشیای عادی زندگی بیش‌تر به تجسم طبیعت بی‌جان و روابط اشیاء در ترکیب‌بندی توجه نمود (تصویر ۲۵ - ۵).

۲- Neo - Classicism

۳- Louis David (۱۷۴۸-۱۸۲۵)

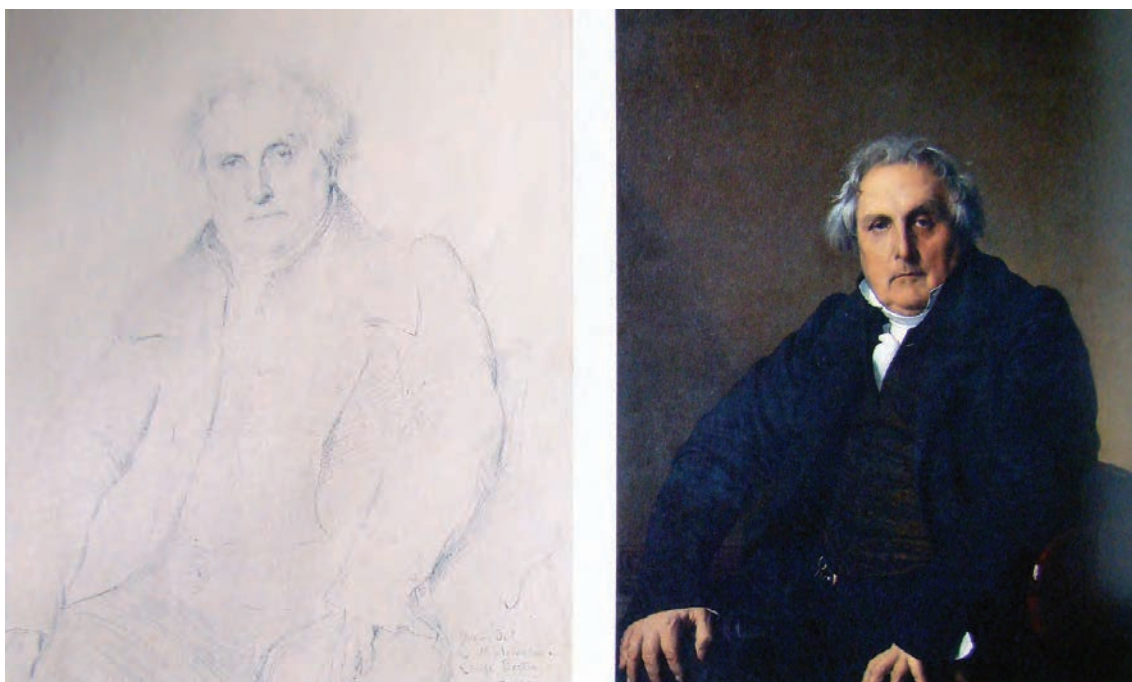
۴- J.A.D.Ingre (۱۷۸۰-۱۸۶۷)



تصویر ۲۶-۵- ژاک لویی داوید، سوگند برادران هوراس؛ ۱۷۸۴ م. رنگ روغن روی بوم ۴۲۶ . ۳۲۵ لوور پاریس.
(اِشِل انسانی حدوداً ۱۸۰ سانتی متر است)



تصویر ۲۷-۵- ژاک لویی داوید، مرگ سقراط؛ ۱۷۸۷ م رنگ روغن روی بوم، ۱۹۵ . ۱۴۷/۵ سانتی متر، موزه هنری مترو بولیتن، نیویورک



تصویر ۲۸-۵-انگر، چهره‌ی لوئیس برتین ۱۸۳۲، رنگ روغن روی بوم، ۹۵ . ۱۱۷ سانتی‌متر، موزه‌ی لوور پاریس

رومانتیسم

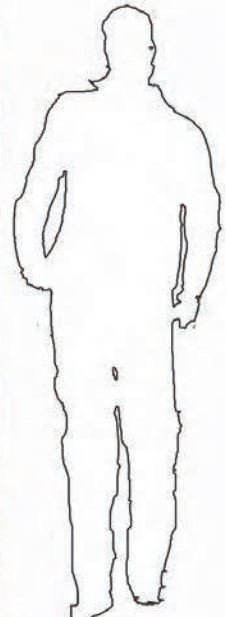
از حدود اواخر قرن هیجدهم، هنرمندان در واکنش به قیود متعصب نئوکلاسیسم، که آن را مانع درک و بیان طبیعت و احساس می‌دانستند، روشی متضاد را در پیش گرفتند و حاصل فعالیت ایشان در ادبیات و هنرهای تجسمی با نام «رومانتیسم»^۱ شهرت یافت. رومانیک‌ها تقدم احساس، تخیل و رؤیا، سنت‌شکنی و شور شاعرانه بر عقل‌گرایی را در سرلوحه‌ی کار خود قرار دادند و موضوعات کار خود را از میان احوال مردم عادی، عواطف شخصی و انسانی و یا مسائل معنوی و گاه از میان داستان‌های پرماجرایی تاریخی برمی‌گزیدند.

نقاشان این مکتب به سبب تأکید بر جنبه‌های عاطفی اثر هنری، به رنگ و طرح‌های پر حرکت و سیال اولویت دادند. یکی از برجسته‌ترین هنرمندان مکتب رومانتیسم فرانسه اوژن دلاکروا است. او رنگ را در نقاشی ارجح می‌دانست و آن را با توجه به معانی و مفاهیم گسترده‌اش با دانش و آگاهی به کار می‌برد (تصویر ۲۹-۵).



تصویر ۲۹-۵-اوژن دلاکروا، دختر یتیم در گورستان، رنگ و روغن روی بوم، ۱۸۲۴ میلادی، موزه‌ی لوور پاریس.

«فرانسیسکو گویا»^۱ نقاش اسپانیایی که به سبب داشتن تنوع در شیوهی کار به مکاتب دیگر نیز منسوب است در زمره‌ی یکی از نقاشان بزرگ مکتب رومانتیسم است او در تابلوی سوم ماه مه ۱۸۰۸ در تابلوی سوم ماه مه رنج مردم مظلوم و ایستادگی آن‌ها را به خوبی نشان داده است (تصویر ۵-۳۰).



تصویر ۵-۳۰ - فرانسیسکو گویا، سوم ماه مه؛ ۱۸۰۸ م. رنگ روغن روی بوم، ۳۳۸ × ۲۶۰ سانتی متر موزه پرادو، مادرید (به نظر شما قهرمان تابلو کیست؟ آیا با اِشل انسانی (حدوداً ۱۸۰ سانتی متر) می‌توانید اندازه‌ی تابلو را تصور کنید؟)

جان کنستابل^۲ و ویلیام ترنر^۳ دو تن از منظره‌سازان انگلیسی هستند که در تکوین مکتب رومانتیک بسیار کوشیدند. کنستابل تأثیرات جوئی و تغییرات نور و سایه در طبیعت را موضوع کار خود قرار داد، و ویلیام ترنر با کمک رنگ‌های شفاف و درخشان در تجسم فضاهای مه‌آلود و شاعرانه سعی در ایجاد بازی‌های نور و رنگ داشت (تصاویر ۵-۳۱ و ۵-۳۲).

۱ - Goya (Francisco) (۱۷۴۶ - ۱۸۲۸)

۲ - Constable (John) (۱۷۷۶ - ۱۸۳۷)

۳ - Turner (J.M. William) (۱۷۷۵ - ۱۸۵۱)



تصویر ۳۱-۵- جان کنستابل، گاری یونجه، سال ۱۸۳۱ میلادی رنگ و روغن روی بوم ۱۸۵ . ۱۳۰ سانتی متر گالری ملی لندن



تصویر ۳۲-۵- ویلیام ترنر، کشتی بخار در کولاک برف، سال ۱۸۴۲ میلادی رنگ و روغن روی بوم ۱۲۲ . ۹۱ سانتی متر گالری تیت، لندن

رتالیسم^۱

در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، بار دیگر گرایش به واقع‌گری، با تأکید بر واقعیات اجتماعی – سیاسی در مقابل احساساتی‌گری رمانتیسم، مطرح گردید. واقع‌گرایان بازنمایی صادقانه‌ی زندگی معاصر را بدون دخالت احساس و عواطف، هدف خود می‌شمردند؛ از این‌رو موضوعات کارهایشان را زندگی طبقات فرودست، کارگران و روستائیان در حال انجام کار انتخاب کردند و روابط غیرانسانی جامعه‌ی سرمایه‌داری را به نقد کشیدند.

گوستاو کوربه^۲ به عنوان سردمدار رتالیسم فرانسه شناخته شده است. او با انتخاب موضوعات ملموس و عینی زندگی سعی در بازگویی حقایق زمان خود داشت و با دقت یک دوربین عکاسی موضوعات را به تصویر می‌کشید. تابلوی «روز به خیر آقای کوربه» بدون شک در نظر کسانی که با نمونه‌های هنر آکادمیک آن زمان آشنا بودند کاری به تمام معنا بچگانه جلوه می‌کرد. در این تابلو هیچ نشانه‌ای از ژست‌گیری خاصی به چشم نمی‌خورد.

حتی کمپوزسیون تابلوی خوشه‌چینان میله در مقایسه با ترکیب صاف و ساده و عکاسی‌گونه کوربه سنجیده‌تر به نظر می‌رسد. هنرمند خود را با پیراهنی شبیه آدم‌های خانه به دوش به تصویر در آورد.

بدون شک در نظر هنرمندان محترم و ستایشگران آن‌ها کاری غیر متعارف و ناهنجار جلوه کرده است. در واقع این واکنشی بود که کوربه قصد ایجاد آن را داشت. او قصد خلق اثری داشت که اعتراضی بر ضد قراردادهای پذیرفته شده روزگارش باشد (تصویر ۳۳-۵). این طرز تلقی کوربه به مرزهای دیگر کشورها نیز سرایت کرده و در روسیه سبب پیدایش «رتالیسم اجتماعی»^۳ شد.



تصویر ۳۳-۵- گوستاو کوربه، روز به خیر آقای کوربه، سال ۱۸۵۴ م رنگ و روغن روی بوم، ۱۴۹ . ۱۲۹ سانتی‌متر، موزه‌ی فابر مونپلیه (جنوب فرانسه)

۱- Realism واقع‌گری

۲- Corbet (Gustave) (۱۸۱۹-۱۹۷۷)

۳- Social Realism به عنوان تنها شیوه‌ی هنری رسمی و پذیرفته شده در کشورهای سوسیالیست، خصوصاً شوروی سابق، اطلاق می‌شود.

«فرانسوا میله»^۱ نقاش فرانسوی زندگی و کار روستائیان را موضوع کار خود قرار داد. تابلو خوشه‌چینان از معروف‌ترین آثار اوست (تصویر ۵-۳۴). «اونوره دومیه»^۲ که با تکنیک چاپ سنگی کار می‌کرد با نگاهی تند اعمال طبقات بالایی جامعه را نقد و با طبقات زیردست همدردی می‌نمود. از او تعداد زیادی کاریکاتورهای اجتماعی - سیاسی و طراحی گراووری برجای مانده است (تصویر ۵-۳۵).



تصویر ۵-۳۴ - فرانسوا میله، خوشه‌چینان؛ ۱۸۵۷ م. رنگ روغن روی بوم ۱۱۱ - ۸۳ سانتی‌متر، موزه‌ی اورسی، پاریس

۱ - Millet (Jean - Francois) (۱۸۱۴-۱۸۷۵)

۲ - Daumier (Honore) (۱۸۰۸-۱۸۷۹)



تصویر ۳۵-۵. اونوره دومیه، واگن درجه سه؛ ۱۸۲۶ میلادی، ۸۹/۵ . ۶۵ سانتی متر، موزه هنری متروپولیتن نیویورک.



تصویر ۳۶-۵. ایلبارین، بازگشت غیر منتظره؛ رنگ روغن روی بوم، اواخر سده‌ی نوزدهم میلادی. رپین از جمله هنرمندان روس است که در مکتب رئالیسم اجتماعی فعالیت می‌کرد.

پرسش‌ها

- ۱- عوامل ظهور رنسانس را توضیح دهید.
- ۲- مفهوم رنسانس چیست؟
- ۳- ریشه‌های هنرهای رنسانس را توضیح دهید.
- ۴- اولین ظهور طبیعت‌گرایی را در هنر کدام هنرمند می‌توان بازشناخت؟
- ۵- پیرو دلافرانچسکا کدام نکته را در بازنمایی واقعیت ثابت کرد؟ توضیح دهید.
- ۶- هنرمندان بزرگ رنسانس را نام ببرید.
- ۷- تابلو مونالیزا دارای چه ویژگی تصویری است؟ توضیح دهید.
- ۸- نقاشی‌های کلیسای سیستین و تیکان اثر کدام هنرمند است؟ ویژگی‌های آن را شرح دهید.
- ۹- ابداع رنگ و روغن چه تأثیری بر نقاشی گذاشت؟
- ۱۰- مفهوم واژه‌ی منریسم چیست؟
- ۱۱- خصوصیت آثار منریسم را شرح دهید.
- ۱۲- دو تابلوی شام آخر اثر داوینچی و تینتورتو را از نظر ترکیب‌بندی مقایسه کنید.
- ۱۳- دو هنرمند برجسته‌ی شیوه‌ی منریسم را نام ببرید.
- ۱۴- واژه‌ی «باروک» به چه معنی است؟ تفاوت‌های مکتب باروک با مکتب رنسانس را شرح دهید.
- ۱۵- سه تن از هنرمندان مکتب باروک را نام ببرید.
- ۱۶- ویژگی آثار رامبراند را شرح دهید.
- ۱۷- ویژگی آثار ورمر را شرح دهید.
- ۱۸- روکو کو به چه معنی است؟ و چگونه شکل‌گیری آن را شرح دهید.
- ۱۹- عوامل ظهور نئوکلاسیک را بنویسید.
- ۲۰- هنرمندان برجسته‌ی نئوکلاسیک را نام ببرید و خصوصیت آثارشان را شرح دهید.
- ۲۱- ویژگی‌های مکتب رومانسیسم را شرح دهید.

- ۲۲- خصوصیات آثار دلاکروا را بیان کنید.
- ۲۳- روماتیک‌ها غالباً موضوعات کار خود را چگونه انتخاب می‌کردند؟
- ۲۴- نقاشی روماتیک اسپانیا با نام کدام هنرمند شناخته می‌شود؟ خصوصیت آثار او را بیان کنید.
- ۲۵- مکتب رئالیسم و مکتب روماتیسم را با هم مقایسه کنید.
- ۲۶- ویژگی آثار گوستاو کوربه را شرح دهید.
- ۲۷- ویژگی آثار میله را شرح دهید.
- ۲۸- ویژگی آثار دومیه را شرح دهید.